

در سال‌های اخیر و با بالاگرفتن تنش میان چین و ایالات متحده و به‌طور خاص پس از آغاز جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، مسئلهٔ نظم نوین جهانی و تأثیرات آن بر روندها، دکترین‌ها و استراتژی‌های امنیت/تأمین منافع ملی به یکی از موضوعات مهم محافل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور تبدیل شده است. در این مقاله تلاش شده است ضمن بررسی سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، که با توجه به وضعیت خاص حاکم بر جهان و نکات مندرج در آن اهمیت بسیاری دارد، نشان داده شود که چرا برداشت عمدهٔ تحلیلگران و سیاست‌مداران ایرانی از مسئلهٔ نظم نوین جهانی اشتباه است و این اشتباهات چه تأثیراتی بر منافع ملی ایران گذاشته و برای تصحیح خطاهای محاسباتی راهبردی و پیامدهای آن، چه اقداماتی باید صورت پذیرد.

در حال حاضر این امر میان همهٔ تحلیلگران به‌گزاره‌ای بدیهی تبدیل شده که دوران جهان تک‌قطبی به‌طور رسمی به پایان خود رسیده و چین در صورت حفظ روند فعلی نه‌تنها از حیث تولید ناخالص داخلی بلکه از حیث بسیاری از فناوری‌های پیشرفته و توانایی شکل‌دهی به نظم اقتصادی و سیاسی جهان از ایالات متحده پیشی خواهد گرفت. همچنین در حال حاضر بر اساس شاخص قدرت برابری خرید (PPP)،<sup>۱</sup> که بر اساس رویکرد صندوق بین‌المللی پول و همچنین CIA مبنای حقیقی مقایسهٔ اقتصاد کشورها به‌شمار می‌رود،<sup>۲</sup> کشور چین در رتبهٔ نخست اقتصاد جهان ایستاده است. اندیشکده بلفر<sup>۳</sup> در چهار گزارش مفصل، که در دسامبر ۲۰۲۱، مارس و آگوست ۲۰۲۲ دربارهٔ رقابت چین و آمریکا در چهار حوزهٔ نظامی، اقتصادی، فناوری و دیپلماتیک منتشر کرد و شخص گراهام آلیسون<sup>۴</sup> در نگارش آن‌ها نقش داشت، رقابت چین و آمریکا را رقابتی تمام‌عیار و پایاپای<sup>۵</sup> ارزیابی کرده است.<sup>۶</sup>

نکات فوق و بسیاری از شواهد دیگر که ناظر به هم‌آوردی انکارناپذیر چین در برابر ایالات متحده است، در ایران دو بازخورد متفاوت دریافت کرده که هر دوی آن‌ها، به‌رغم اختلافات فاحش با یکدیگر، تاکنون به یک اندازه خسارت بار بوده‌اند. رویکرد نخست، رویکردی است که به این روند سریع تغییر، مطلقاً بی‌توجه بوده و همچنان بر اساس معادلات جهان تک‌قطبی به تحلیل و تجویز درمورد امور سیاست خارجی و امنیت ملی ایران می‌پردازد. اما رویکرد دوم، رویکردی است که تصور می‌کند اولاً برتری و سیادت مطلق چین و بازتعریف نظم نوین جهانی امری اجتناب‌ناپذیر، خطی، سریع و سهل‌الوصول است؛ ثانیاً انتفاع ایران از این نظم نوین امری قطعی است و برای بهره‌مندی از مزایای این نظم کافی است ایران مدتی صبر کند تا گشایش‌های یکی پس از دیگری از راه برسند. این در حالی است که شکل‌گیری نظم جدید ماهیتی بدون قطعیت، غیرخطی و بسیار پیچیده دارد و تحقق آن زمان‌بر و پرمشقت است و دیگر اینکه در صورت شکل‌گیری نظم جدید هیچ تضمینی وجود ندارد که این نظم به نفع ایران تمام شود و اگر ایران در وضع انفعالی باقی بماند و نتواند به‌درستی و به‌موقع از فرصت‌ها استفاده کند، ممکن است وضعیت کشور نسبت به گذشته بدتر شود.

برای درک درست از وضع ایران در دوران گذار به نظم جدید جهانی، در ابتدا باید منطق حاکم بر «جنگ سرد جدید» را درک کرد که می‌توان آن را مقدمه و دورهٔ گذار به نظم جدید تصور کرد. به نظر می‌رسد در حال حاضر تحلیل هیچ‌سندی بهتر از «سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۲ ایالات متحده» نمی‌تواند فضای جنگ سرد جدید و استراتژی ایالات متحده را برای مهار چین و حفظ سازوکارهای آمریکایی حاکم بر نظم بین‌الملل نشان دهد؛ از همین رو، در نوشتار حاضر به بررسی و تحلیل سند مهم استراتژی امنیت ملی آمریکا خواهیم پرداخت.